

## ساختار شکنی به منزله روش تحقیق کیفی و کاربرست آن در آموزش و پرورش

سمانه خلیلی<sup>1</sup>

### بیان مساله

روشهای تحقیق کیفی همواره در علوم مختلف به طور عام و علوم انسانی به طور خاص مورد توجه بوده اند. اهمیت این روشها در حیطه علوم انسانی از آن جهت است که موضوع مورد مطالعه، انسانی است با تمام ویژگیهای خاص خود که او را غیر قابل پیش بینی می سازد و از این جهت بیش از آنکه روشهای تحقیق کمی پاسخگوی محققان این شاخه باشد، روشهای تحقیق کیفی چاره ساز است. با این وجود روشهای تحقیق کیفی دشواریهای خاص خود را دارد. یکی از مهمترین دغدغه ها در این باب، صورت بندی روشهای کیفی می باشد. در واقع محققانی که سعی دارد از روشهای کیفی بهره مند گردد، می بایست تا حدی از مراحل آن آگاهی داشته باشد تا در انجام پژوهش دچار خطا نگردد. بنابراین گام اول در شناساندن تحقیق کیفی، ارائه صورت بندی صحیح از آن می باشد. در این مقاله با در نظر داشتن این مهم، سعی شده است از میان روشهای تحقیق کیفی، ساختار شکنی مورد توجه قرار گرفته و گامهایی که محقق می بایست در استفاده از این روش بردارد، ارائه گردد.

### سوالات پژوهش

- 1- ساختار شکنی چیست؟
- 2- ساختار شکنی به عنوان روش تحقیق کیفی از چه مرحله‌ای برخوردار است؟
- 3- کاربرست ساختار شکنی در آموزش و پرورش چگونه است؟

### چارچوب نظری

از آنجاکه ساختار شکنی از ابتکارات دریدا است، در این پژوهش ابتدا به بررسی ساختار شکنی و

sakhalili@ut.ac.ir

<sup>1</sup> - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران



چگونگی شکل‌گیری آن پرداخته می‌شود. بنابراین مبنای اصلی پژوهش ساختارشکنی مورد نظر دریدا است که با توجه به آن اصولی استخراج می‌شوند و این اصول ارائه‌دهنده صورت بندی روش تحقیق کیفی می‌باشند. در حقیقت محقق با مرور این اصول گامهایی که می‌تواند در ساختارشکنی به عنوان روش تحقیق کیفی مورد نظر است، طی نماید.

## روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع پژوهشهای توصیفی-تحلیلی است به این صورت که ابتدا به توصیف دیدگاه دریدا درباره ساختارشکنی می‌پردازد و سپس با تحلیل آن اصولی درباره روش تحقیق کیفی ارائه می‌دهد.

## یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاکی از این امر است که اگر چه دریدا معتقد است ساختارشکنی چارچوب خاصی ندارد و از اصول مشخصی پیروی نمی‌کند، اما با بررسی دقیق می‌توان اصول خاص آن را استخراج نمود. بر این اساس ساختارشکنی به عنوان روش تحقیق ویژگیهایی دارد: اول در نظر داشتن پیش‌فرضهاست. محقق که این روش را بر می‌گزیند می‌بایست با این فرض وارد میدان پژوهش شود که هیچ حقیقت مطلق وجود ندارد، همچنین از زیر سوال بردن اصول حاکم هراسی نداشته باشد. گام دوم یافتن دوگانگی‌ها در ساختارها است به این شکل که صورتهای نهان را هم مد نظر داشته باشد. گام سوم، افشای برتری یکی از قطبهای دوگانه بر دیگری است. گام چهارم نفی برتری قطب حاکم و در نهایت گام پنجم فراهم نمودن زمینه برای طرح قطب مغلوب می‌باشد. به نظر می‌رسد صورت بندی فوق ساختارشکنی را به عنوان روش تحقیق کیفی که قابل کاربرد در عرصه آموزش و پرورش باشد، ارائه می‌نماید.

## نتیجه‌گیری، بحث و پیشنهادها

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که ساختارشکنی به عنوان روش تحقیق کیفی در آموزش و پرورش می‌تواند در دو سطح کلان و خرد راهگشا باشد. در سطح کلان می‌تواند در



سومین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران  
روش‌شناسی و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت

بومی‌سازی آموزش و پرورش و همچنین تحلیل مسائل فرهنگی و اجتماعی و تأثیر آن در آموزش و پرورش به کار گرفته شود. در سطح خرد و در حیطه آموزش و پرورش با ساختارشکنی برنامه درسی نقاط قوت و ضعف آن آشکار می‌گردد. همچنین در فرایند تدریس و ارزشیابی قابل کاربرد است. در حقیقت ساختارشکنی به دنبال شکافتن لایه‌های مختلف آموزش و پرورش است و توجه خود را معطوف به لایه‌هایی می‌سازد که صورت نهانی داشته و مغفول واقع شده‌اند. آشکار سازی این صورتهای نهانی نقطه قوت ساختارشکنی به عنوان روش تحقیق کیفی است و بهره‌جستن از آن در آموزش و پرورش را ضروری می‌نماید.

**واژگان کلیدی:** دریدا، ساختارشکنی، روش تحقیق، آموزش و پرورش

### منابع

- 1- Derrida, J. (1976). *Of grammatology*, trn: G.C. Spivak. Baltimore: John Hopkins University Press.
- 2- Derrida, J. (1981). *Positions*. Chicago: The Chicago University Press.
- 3- Derrida, J. (1996). *Différance*. in R. Kearney & M. Rainwater (Eds.), *the Continental Philosophy Reader*. New York: Routledge.
- 4- Derrida, J. (2003). *Writing and difference*. trans. Alan Bass. London: Routledge.
- 5- Harland, R. (1987). *Superstructuralism. the philosophy of structuralism & post – structructuralism*. London, 1987.
- 6- Harold, K. & Bush, J. (1995). *Poststructuralism as theory and practice in the English Classroom*. ERIC Clearinghouse on reading. English. and communication digest #104.